

سینمای زیست محیطی و مسئله آب در ایران؛ چارچوب بندی پیام های زیست محیطی در مستند مادرکشی

فرزاد غلامی^۱

چکیده

با توجه به مواجهه ای که سینمای مستند ایران با مسایل زیست محیطی داشته است، در این پژوهش به نحوه چارچوب بندی مسئله آب ایران در مستند مادرکشی پرداخته ایم. سؤال اصلی پژوهش این است که مستند مادرکشی چگونه با مسئله زیست محیطی آب مواجه شده و آن را به چه شیوه هایی چارچوب بندی کرده است؟ چارچوب بندی می تواند نحوه مواجهه با مسئله آب را در سه سطح (تشخیص، تجویز و انگیزش) تشریح نماید. برای پاسخ به سؤال پژوهش، این مستند با استفاده از دو روش تحلیل محتوای کیفی و تحلیل رتوریک مطالعه شد. یافته ها حکایت از آن دارد که توسعه پایدار مهمترین چارچوبی است که این مستند برای فهم مسئله آب انتخاب کرده است. به عبارتی مستند مادرکشی چارچوب های تشخیصی و تجویزی خود را بر مبنای توسعه پایدار تنظیم کرده است. این امر، در انتخاب چارچوب های انگیزشی نیز مؤثر بوده است؛ به همین دلیل «اعتبار منبع» که بیانگر توصیه متخصصان است، به عنوان چارچوب انگیزشی انتخاب شده است. همچنین این مستند در کنار توسعه پایدار از چارچوب های اقتصاد سیاسی آب، عدالت زیست محیطی و امنیت زیست محیطی نیز استفاده کرده است. در چارچوب انگیزشی نیز علاوه بر «اعتبار منبع» از راهبردهای «ترس»، «حل مسئله»، «قیاس» و «نگرش جمعی» استفاده شده است.

کلیدواژه ها

سینمای زیست محیطی، ارتباطات، مسئله آب، چارچوب بندی، توسعه پایدار، مستند مادرکشی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۷

۱. استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Farzadgholami@ut.ac.ir



سال اول / شماره یکم
زمستان ۱۴۰۱

۸۷

مقدمه

با برجسته شدن موضوعات زیست‌محیطی در سراسر جهان، محیط‌زیست از منظر رشته‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است و رویکردهای بین‌رشته‌ای جدیدی برای مطالعه موضوعات زیست‌محیطی ظهور کرده است. به‌عنوان مثال جامعه‌شناسی محیط زیست و ارتباطات زیست‌محیطی از جمله این رویکردها هستند. در این پژوهش مسئله محیط زیست از زاویه ارتباطات محیط زیست و به‌طور ویژه با نگاه سینمای زیست‌محیطی مورد توجه قرار گرفته است، به عبارتی بعد ارتباطی مسائل زیست‌محیطی مبنای این پژوهش است. ارتباط‌گران باید آگاهی بیشتری درباره مشکلات انتقال این پیام‌های پیچیده کسب کنند (دیدرینگ^۱، ۲۰۰۸: ۱۹). زیرا موضوعات زیست‌محیطی ماهیت علمی دارند و برای عمومی کردن آنها ارتباط‌گران باید بدانند که آنها را در چه بستر کلانی قرار دهند، تا مخاطب با آنها همراه شود (دیدرینگ، ۲۰۰۸: ۱۴). جرج لیکاف^۲ بر این باور است که کنشگران محیط زیست تصور می‌کنند که اگر واقعیات مشکلات زیست‌محیطی را به مردم بگویند، مردم با استفاده از قدرت خردورزی به نتیجه درست خواهند رسید، اما در عمل چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد. از نظر لیکاف راه‌حل این است که واقعیات بر مبنای چارچوب‌های ذهنی افراد جامعه باید چارچوب‌بندی شوند تا توسط افراد درک شوند (لیکاف، ۲۰۱۰: ۷۳-۷۱). بنابراین، می‌توان گفت که یکی از موضوعات مهم در عرصه مسئله آب این است که چگونه پیام‌های مربوط به این مسئله چارچوب‌بندی می‌شوند. سینما نیز می‌تواند یکی از زمینه‌هایی باشد که به چارچوب‌بندی مسایل محیط زیست می‌پردازد. در واقع، سینمای زیست‌محیطی عرصه‌ای است که مواجهه سینما و مسایل زیست‌محیطی در آن مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال افزایش تولید مستندهای زیست‌محیطی، این مسئله که فیلم‌ها به‌عنوان یک رسانه به‌نحو روزافزونی برای انتقال ایده‌های محیط‌زیستی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، به موضوعی برجسته در پژوهش‌های مطالعات فیلم نیز تبدیل شد (هوگ، ۲۰۱۴: ۶). به‌این معنا که زمینه مطالعاتی جدیدی ظهور کرد که امروزه با عنوان مطالعات سینمایی سبز یا مطالعات اکوسینما^۳ از آن یاد می‌شود. بنابراین، نحوه انتقال پیام‌های زیست‌محیطی از مسئله آب در مستندهای زیست‌محیطی، موضوعی مهم و تأثیرگذار برای پژوهش و فهم جامعه ایران از مسئله آب است. مطالعات مرتبط با سینمای مستند به‌عنوان یکی از حوزه‌های مطالعات و پژوهش‌های



سال اول / شماره یکم
زمستان ۱۴۰۱



1. Diedring

2. Lakoff

3. Ecocinema Studies

هنری می تواند از زاویه چارچوب بندی، مسایل مختلف را مورد توجه قرار دهد. به عبارتی موضوع برای پژوهشگری که با رویکرد چارچوب بندی به تحلیل می پردازد، چگونگی ساخته شدن مسئله آب در ایران است؛ به این معنا که برای فهم مخاطب عام در کدام چارچوب های کلان موضوع، معنی دار شده است. در این حالت برای پژوهشگر این موضوع حائز اهمیت است که در بحث آب چه مسایلی برجسته شده اند و از چه شیوه هایی برای اقناع مخاطب استفاده شده است. یکی از مهمترین مستندهایی که در مورد مسئله آب در ایران ساخته شده است، مستند مادر کشی است. بنابراین، این مهم که «مستند مادر کشی چگونه مسئله آب ایران را چارچوب بندی کرده است؟» سؤال اصلی این مقاله است. چارچوب بندی را می توان در سه سطح تعریف و پرسش اصلی را به سه پرسش فرعی زیر تجزیه کرد:

- مستند مادر کشی در مواجهه با مسئله آب چه عواملی را به عنوان دلایل این مسئله معرفی کرده است؟
- مستند مادر کشی در مواجهه با مسئله آب چه راه کارهایی را برای حل این مسئله، ارائه کرده است؟
- مکانیزم ها و راه کارهای اقناعی مستند مادر کشی در مواجهه با مسئله آب چیست؟

پیشینه پژوهش

در فضای پژوهشی جامعه ایران، پژوهشی مرتبط با مسئله اصلی این مقاله یافت نشد؛ اما در مورد مستند مادر کشی پایان نامه ای با عنوان «خوانش مخاطبان از مستندهای بحران آب: مطالعه موردی مستند مادر کشی» توسط عطیه ملک زاهدی در سال ۱۳۹۶ در مقطع کارشناسی ارشد علوم ارتباطات دانشگاه تهران، دفاع شده است. ملک زاهدی در پژوهش خود با استفاده از روش تحلیل رتوریک به مطالعه و تحلیل خوانش انتقادی مخاطبان از این فیلم، پرداخته است. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش ملک زاهدی در زاویه نگاه به موضوع است، هدف پژوهش حاضر تحلیل چارچوب بندی مسئله بحران آب در این مستند است و نگارنده سعی کرده است با راهبرد استقرایی به سؤالات خود پاسخ بدهد.

چارچوب نظری

چارچوب بندی به قدری گسترده و وسیع است که می توان ادعا کرد که «چیزی به نام اطلاعات چارچوب بندی نشده وجود ندارد» (نیومن^۱ و نیسبت^۲، ۲۰۱۵: ۳۶۱). در فضای پژوهش های حوزه مطالعات ارتباطی، پژوهش گران مختلفی به نظریه چارچوب بندی پرداخته اند. به عبارتی

1. Framing
2. Newman
3. Nisbet



همان‌گونه که براون^۱ (۲۰۱۳: ۵) بیان کرده است، می‌توان گفت چارچوب‌بندی ادبیات گسترده‌ای دارد (گامسون^۲ ۱۹۸۹؛ اتمن^۳ ۱۹۹۳؛ نوریس^۴ ۱۹۹۵؛ کاپیرز^۵ ۲۰۰۲). پژوهش‌گران چارچوب‌بندی بر این باورند که کل فرآیندهای ارتباطی را می‌توان با این دیدگاه مفهومی تجزیه و تحلیل کرد (شفر^۶ و همکاران، ۲۰۱۷: ۴). به عبارتی تحلیل چارچوب‌بندی برای تحلیل گام‌های مختلف فرآیندهای ارتباطی با روش‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است.

کارشناسان برای ساده‌سازی مسایل فنی پیچیده از چارچوب‌ها استفاده می‌کنند (نیومن و نیسبت، ۲۰۱۵: ۳۶۱). بنابراین، می‌توان گفت چارچوب‌سازی یک عمل محوری در ارائه پیام به مخاطب است. در حقیقت انتخاب یک چارچوب برای یک داستان یا یک خبر، مهم‌ترین تصمیمی است که یک ارتباط‌گر باید اتخاذ کند (زیلمان^۷ و همکاران، ۲۰۰۴: ۵۸). ایده کلیدی چارچوب‌بندی به ساختارهای تفسیری اشاره دارد که رویدادهای خاص را در بسترهای کلان‌تر قرار می‌دهد و به آن رویدادها معنای مشخصی می‌دهد (نوریس، ۱۹۹۵: ۲). با افزایش پژوهش‌های مرتبط با چارچوب‌بندی، پژوهش‌گران علوم اجتماعی به این امر اذعان کردند که هر آنچه ارائه می‌شود، بسته‌بندی شده یا چارچوب‌بندی شده است. دلیل اهمیت این موضوع هم این است که چارچوب‌بندی بر نتایج محتوای ارائه شده، اثر می‌گذارد (دیدرینگ، ۲۰۰۸: ۱۵). طبق نظر اتمن چارچوب‌ها زمانی خلق می‌شوند که ارتباط‌گران برخی از جنبه‌های یک مسئله را برای مخاطب برجسته‌تر می‌کنند. همان‌طور که اتمن^۸ می‌گوید چارچوب‌های ارتباطی یک مشکل را توضیح می‌دهند، عوامل را شناسایی می‌کنند و راه‌حلهایی ارائه می‌دهند (جاسپر^۹، ۲۰۱۶: ۶۹). بر این اساس است که ادعا می‌شود چارچوب‌ها به شیوه‌های ارائه و تفسیری اشاره دارند که واقعیت‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند (تانگ^{۱۰} و هوه^۱، ۲۰۱۳: ۴). بر اساس نظریه چارچوب‌بندی هر رویداد خاص و منفردی را می‌توان در بستر کلان و بزرگتری قرار داد، که این امر می‌تواند معنای مشخصی به آن رویداد دهد؛ بنابراین، این نظریه ابزار تحلیلی مناسبی برای فهم مصنوعات رسانه‌ای و هنری در موضوعات مختلف از جمله مسایل زیست‌محیطی است.

1. Brown
2. Gamson
3. Norris
4. Kuypers
5. Schäfer
6. Zillmann
7. Entman
8. Jasper
9. Tang
10. Huhe

اگر دانشمندان، پژوهش گران و هنرمندان بخواهند در مباحث زیست محیطی ارزیابی و یا مشارکت خوبی داشته باشند، به درک چارچوب ها به عنوان یک فرآیند شناختی، اجتماعی و سیاسی نیاز دارند (نیومن و نیسبت، ۲۰۱۵: ۳۶۱). به عبارت دیگر عموم جامعه برای درک مسایل پیچیده زیست محیطی و گفتمان های مربوط به آن، متکی به چارچوب ها هستند. همان گونه که هنسن^۱ (۲۰۱۱) خواستار شده است، پژوهش در زمینه چارچوب بندی مجموعه ارزشمندی از رویکردهای نظری و روشی را برای ارزیابی عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه برای کنشگری محیط زیستی و الگوهای جلب توجه و افکار عمومی فراهم می کند.

الگوی چارچوب بندی بنفورد^۲ و اسنو^۳

الگوی چارچوب بندی بنفورد و اسنو، الگویی مناسب برای فهم مستندهای مسئله آب است. بنفورد و اسنو با مطرح کردن سه نوع چارچوب سازی تشخیصی^۴، چارچوب سازی تجویزی^۵ و چارچوب سازی انگیزشی^۶ به این مسئله اشاره می کنند که بازیگران جنبش های اجتماعی و یا جنبش های محیط زیستی با پیگیری این وظایف به مسایل مرتبط با تحرک اجماع و تحرک عمل می پردازند. تحرک اجماع، به بیان ساده یعنی ایجاد توافق و سهولت بخشیدن به آن، و تحرک عمل یعنی انگیزش به عمل و حرکت دادن افراد از بالکن به سنگرهای نبرد (بنفورد و اسنو، ۲۰۰۰: ۶۱۷-۶۱۵). آنها این سه نوع چارچوب سازی را این گونه تشریح کرده اند:

چارچوب سازی تشخیصی: به معنای شناسایی یک مشکل است. برای اینکه جنبش های اجتماعی موفق شوند، باید ابتدا مشکل شناسایی شود تا بسیج طرفداران بر مبنای آن صورت گیرد. از آنجایی که جنبش های اجتماعی در پی اصلاح و تغییر موقعیت یا موضوع مسئله مند هستند، بنابراین، عمل هدفمند به شناسایی علل و عوامل، مقصران و مجرمان بستگی دارد. چارچوب سازی تشخیصی این عملکرد را با تمرکز بر مسئولیت یا سرزنش انجام می دهد.

چارچوب سازی تجویزی: شامل مفصل بندی راه حل های پیشنهادی یک مسئله و راهبرد اجرای این طرح است. در کل چارچوب سازی تجویزی به این سؤال که چه کاری باید انجام شود و مسایل بسیج عمل و اجماع چگونه باشد، می پردازد.

چارچوب سازی انگیزشی: این چارچوب سازی آماده باش یا دلیلی برای پرداختن به

1. Hansen
2. Benford
3. Snow
4. Diagnostic Framing
5. Prognostic Framing
6. Motivational Framing



عمل جمعی بهتر شونده، شامل واژگان مناسب را فراهم می‌کند. بنفورد و اسنو با مطالعات متعدد بر روی جنبش‌های اجتماعی چهار کلمه انگیزشی را که از تعامل بین فعالان جنبش‌ها، حامیان و افراد عادی بروز یافته، شناسایی کرده‌اند. این کلمات عبارتند از: شدت^۱ (به خطر دریافت شده از تهدید اشاره می‌کند)، فوریت^۲ (به سرعت لازم برای مورد ملاحظه قرار گرفتن مشکل اشاره دارد)، کارایی^۳ (به حس قدرتی اشاره می‌کند که فرد برای پرداختن به مشکل دارد) و تناسب^۴ (به وظیفه فرد برای عمل اشاره دارد). این کلمات به طرفداران جنبش این امکان را می‌دهد تا در عمل جمعی و ادامه مشارکت خود، انگیزه داشته باشند.

جدول ۱. خلاصه الگوی بنفورد و اسنو

عنوان	مهم‌ترین مشخصه
چارچوب تشخیصی	شناسایی چستی مسئله
چارچوب تجویزی	راه کار لازم برای حل مسئله
چارچوب انگیزشی	راه کارهای اقناعی برای همراه کردن مخاطب

روش پژوهش

پژوهش کیفی با ویژگی‌هایی چون استقرایی بودن، نوپدید بودن و تا اندازه‌ای کنترل‌ناپذیری شناخته می‌شود. به همین دلیل است که پژوهش کیفی کمتر خصلت خطی بودن دارد (لیندلاف^۵ و تیلور^۶، ۱۳۸۸: ۱۰۸). در این پژوهش نیز با توجه به جدید بودن موضوع از روش‌های کیفی استفاده شد. بدین منظور با توجه به ماهیت سؤالات پژوهش، از دو روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی و تحلیل رتوریک استفاده شد. در ادامه، این دو روش و نحوه به کارگیری آن برای انجام پژوهش تشریح شده است.

ژیلیان رز^۷، در کتاب «روش و روش‌شناسی تحلیل تصاویر»، روش تحلیل محتوا را یکی از روش‌های مناسب برای تحلیل مصنوعات بصری معرفی می‌کند. رز برای تحلیل محتوا چهار مرحله را تشریح می‌کند که عبارتند از: ۱. یافتن فیلم‌های مورد نظر، ۲. طراحی مقوله‌ها برای کدگذاری، ۳. کدگذاری فیلم‌ها و ۴. تحلیل نتایج بر

1. Severity
2. Urgency
3. Efficacy
4. Propriety
5. Lindlof
6. Taylor
7. Rose



سال اول / شماره یکم
زمستان ۱۴۰۱

۹۲

اساس سؤال پژوهش (رز، ۱۳۹۳: ۱۳۶-۱۲۱). با توجه به ماهیت سؤالات اول و دوم پژوهش، برای شناسایی چارچوب های تشخیصی و تجویزی سینمای مستند در حوزه مسئله آب، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد.

با توجه به سؤال سوم پژوهش برای شناسایی چارچوب های انگیزشی سینمای مستند در حوزه مسئله آب، از روش تحلیل رتوریک استفاده شد.

آرتور آسابرگر^۱ استاد ارتباطات دانشگاه سانفرانسیسکو آمریکا در کتاب «روش های پژوهش در رسانه ها»، الگویی کاربردی برای تحلیل رتوریک ارائه کرده است که هم برای متون مکتوب و هم برای متون تصویری قابل استفاده است. بنابراین، در این مقاله از الگوی وی برای تحلیل شیوه اقناع مخاطب در مستند مادر کشی استفاده شد. آسابرگر در این الگو^۲ (۱۳۸۸: ۴۶-۴۱) مهم ترین تمهیدات برای اقناع مخاطب را تشریح کرده است. در جدول زیر خلاصه این الگوی تحلیل رتوریک ذکر شده است:

جدول ۲. خلاصه الگوی تحلیل رتوریک آسابرگر (۱۳۸۸)

مؤلفه های رتوریک	مصادق و مضمون
زبان استعاری	تمثیل و مقایسه
زبان کنایی	ربط کلی یا جزئی دو چیز یا مفهوم به هم
اعتبار منبع	توصیه متخصصان
حل مسئله	ارائه راه حل
نگرش جمعی	همه مردم
همسانی نمادین	استفاده از ستارگان و افراد مشهور برای ارایه پیام
پاداش به خود	احساس مفید بودن اقدام برای خود فرد
تحریک پندار	تجانس آوایی، تکرار، قافیه و موسیقی
مقایسه	روش های منطقی مانند ارائه آمار

معرفی و خلاصه داستان مستند مادر کشی

مستند مادر کشی (مدت زمان ۷۶ دقیقه) به تهیه کنندگی محمد شکیبانی و کارگردانی و نویسندگی کمیل سوهانی، به سفارش مرکز بررسی های استراتژیک نهاد ریاست

1. Asa Berger

۲. برای جلوگیری از طولانی شدن بخش روش خلاصه الگو در جدول ارائه شده است، برای مطالعه الگوی تحلیل رتوریک آسابرگر به کتاب «روش های پژوهش در رسانه ها»، انتشارات دفتر مطالعات رسانه ای مراجعه کنید.

جمهوری در سال ۱۳۹۴ ساخته شده است. مادرکشی از نگاهی متفاوت و با رویکردی نسبتاً انتقادی به چالش کم‌آبی و خشک‌سالی پرداخته است. نگاهی که بحران آب را فراتر از تغییر شرایط اقلیمی می‌داند و ریشه مشکل را در دخالت‌های انسانی در طبیعت یافته است. مادرکشی به سراغ تاریخی نه‌چندان دور می‌رود و ریشه‌ها را در زمان قبل از انقلاب و هم‌زمان با اجرای اصل چهار ترومن واکاوی می‌کند. بعد از آن در مسیر سیر تاریخی به ریشه‌هایی همچون سدسازی و مهار بی‌رویه آب‌های تجدیدپذیر، سیاست‌زدگی در تصمیم‌گیری‌های کلان، اجرای پروژه محکوم به شکست انتقال آب، نبود برنامه جامع آمایش سرزمین و ضعف فرهنگ مصرف می‌پردازد. سدسازی‌های بی‌رویه و دخالت در اکوسیستم طبیعی، حفر بی‌رویه چاه‌های عمیق، انتقال آب بین حوزه‌های مختلف آبریز، از بین رفتن منابع زیرزمینی آب، بهره‌وری پایین و برنامه‌ریزی غلط در کشاورزی، جایگزینی مدیریت دولتی به‌جای مدیریت مردمی، از مواردی است که این مستند در تحلیل دلایل بحران آب به آن می‌پردازد.

۱. تحلیل یافته‌ها

با استفاده از محتوای کدگذاری شده فیلم و ارجاع به مباحث نظری، در یک رفت و برگشت تحلیلی به متن مستند و نظریه‌ها و چارچوب‌های موجود، جدول زیر تهیه شده است:

جدول ۳. چارچوب‌های مستند مادرکشی

کدهای اصلی	مقولات میانی	چارچوب کلان
سیاست‌های دولتی عامل مسئله آب	عدم آمایش سرزمین	توسعه پایدار
ناهماهنگی بین دستگاه‌های متولی حوزه منابع آب		
الگوی بهره‌وری آب در کشاورزی		
فقدان پیوست‌های زیست‌محیطی طرح‌های توسعه		
بی‌توجهی به فرونشست زمین		
از بین رفتن تنوع گونه‌های حیات وحش در اثر مسئله آب		
طرح‌های انتقال آب بین حوزه‌ای	عدم آمایش منابع آب	
سدسازی		
برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی		

کدهای اصلی	مقولات میانی	چارچوب کلان
بیکاری و مهاجرت روستاییان: آوارگان زیست محیطی	ایجاد فقر	توسعه پایدار
گسترش حاشیه نشینی		
مشارکت جوامع محلی برای آبخیزداری	مشارکت اجتماعی	توسعه پایدار
لزوم مشارکت نخبگان و توجه آنان به محیط زیست		
دسترسی نداشتن روستاییان به آب شرب	مناسبات مرکز/ پیرامون	عدالت زیست محیطی
انتقال آب استان های پیرامونی به استان های مرکزی		
جایابی صنایع آب بر بر مبنای خواست کانون های قدرت و ثروت	مافیا در مدیریت منابع آب	اقتصاد سیاسی آب
سهم بالای تولید و صادرات مواد آب بر	تقسیم کار بین المللی	
درگیری و جنگ در روستاها بر سر موضوع آب	جنگ آب	امنیت زیست محیطی
درگیری بر سر آب مسئله اصلی آینده غرب آسیا		

هدف مستند مادر کشی در طرح موضوع آب، نگاهی جامع به همه عوامل مسئله آب و ارجاع به رویکردها و نظرات متفاوت بوده است. از این رو مستند، موضوع را هر بار با چارچوبی متفاوت نگاه و ارایه کرده است. این چارچوب ها شامل توسعه پایدار، عدالت زیست محیطی، اقتصاد سیاسی آب و امنیت زیست محیطی است. با توجه به این که در پژوهش کیفی فرآیند بین تحلیل داده ها، جمع آوری داده ها و مراجعه به ادبیات نظری برای تحلیل رفت و برگشتی است، در این پژوهش نیز پژوهش گر از ابتدا چارچوب های کلانی را که امکان مطرح شدن مسایل زیست محیطی در آنها وجود داشت از منابع نظری و پژوهش های صورت گرفته شناسایی نموده است، اما در تحلیل و کدگذاری داده ها خود را محدود به این چارچوب ها نکرده و در مواجهه با کدهای جدید چارچوب مشخصی برای آنها انتخاب نموده است. بر این اساس در گزارش پژوهش که در قالب مقاله ارائه می شود، ابتدا در مورد هر کدام از چارچوب های این مستند توضیحاتی بیان شده و سپس داده های مستند بر مبنای آن تحلیل شده است.

۱-۱. چارچوب توسعه پایدار

مهمترین چارچوب مستند مادر کشی، چارچوب توسعه پایدار است. توسعه پایدار ابعاد مختلفی دارد و مباحث زیست محیطی بخشی از این مفهوم کلان است. « کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه » توسعه پایدار را این گونه تعریف کرده است: « مدیریت استفاده

بشر از زیست کره زمین که پایدارترین منافع را برای نسل‌های حاضر در برداشته و در عین حال قابلیت و پتانسیل خود را برای تأمین نیازها و خواسته‌های نسل‌های آینده حفظ کند» (آروین^۱، ۱۳۹۲: ۶۶). با توجه به وضعیت جهان و عدم موفقیت برنامه‌های توسعه پایدار در گزارش ارزیابی هزاره اکوسیستم که در سال ۲۰۰۵ منتشر شده، تأکید شده است که محیط زیست باید در کانون همه بحث‌های توسعه قرار گیرد (ساتن، ۱۳۹۳: ۲۳۹). بنابراین، بعد از زیست محیطی توسعه پایدار بیش از پیش نیازمند توجه است.

در چارچوب توسعه پایدار این مستند چهار عامل ۱. عدم آمایش سرزمین، ۲. عدم آمایش منابع آب، ۳. ایجاد فقر و ۴. مشارکت اجتماعی را مورد توجه قرار داده است که هر کدام از این موارد خود در قالب موضوعات جزئی‌تری مورد توجه قرار گرفته است.

۱-۱-۱. عدم آمایش سرزمین

بر اساس تعریف شبکه نظارت برنامه‌ریزی فضایی اروپا، آمایش سرزمین عبارت است از «رویکرد منسجم و فعال توسعه سرزمین برای شکل دادن به آینده شهرها، نواحی و مناطق جغرافیایی بزرگتر، به گونه‌ای که از سیاست‌های منطقه‌ای فراتر رود و به رویکرد برنامه‌ریزی فضایی نزدیک‌تر شود» (هدایتی‌آق‌مشهدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۵). این مستند، عدم آمایش سرزمین را در قالب موضوعاتی چون فقدان پیوست‌های زیست محیطی طرح‌های توسعه، الگوی بهره‌وری آب در کشاورزی، ناهماهنگی بین دستگاه‌های متولی حوزه منابع آب، سیاست‌های دولتی عامل مسئله آب، بی‌توجهی به فرونشست زمین و از بین رفتن تنوع گونه‌های حیات وحش در اثر مسئله آب، مطرح کرده است. در ادامه با ارائه شواهدی تشریح شده است که این موارد چگونه در چارچوب بندی توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته‌اند.

به عنوان نمونه با توجه به شرایطی که در دشت همدان ایجاد شده است، می‌توان گفت که جملات زیر که از زبان یکی از مسئولان وزارت نیرو در زمان افتتاح نیروگاه همدان بیان شده است، بیانگر این است که یا پیوست زیست محیطی برای این پروژه انجام نشده، یا در مطالعات صورت گرفته پیوست زیست محیطی نادیده گرفته شده است:

«یکی از مسئولان وزارت نیرو: وزارت نیرو با کمک شرکت توانیر برنامه‌ریزی و مطالعات بسیار مفصلی در غرب کشور در استان‌های همدان، کرمانشاه، کردستان، لرستان و بخش‌هایی از استان مرکزی انجام داده است؛ با توجه به

1. Irwin

۲. در مواردی از نقل قول که صرفاً به سمت افراد اشاره شده است به این دلیل است که در متن مستند مشخصات فرد مورد مصاحبه ذکر نشده است.

شرایط اقلیمی و وضعیت محل، نهایتاً استان همدان شهرستان کبودرآهنگ و بخش فامنین را انتخاب کرده است. این نیروگاه باعث خیر و برکت برای این منطقه خواهد شد.»

در بحث الگوی های نادرست بهره‌وری در کشاورزی، این مستند با داشتن دیدی کلان حتی فرآیند صادرات محصولات کشاورزی را نادرست دانسته و تأکید می‌کند که اگر با دید جامعی به مسایل کشور نگریسته شود بسیاری از مسایل حوزه کشاورزی امری نامعقول جلوه می‌کند؛ چراکه در صورت چندبعدی دیدن این مسایل مشخص خواهد شد که تبعات زیان بار آن‌ها برای کشور بیش از فواید آنهاست. به‌عنوان مثال در بخشی از مستند این گونه آمده است:

«کاش این همه آسیب و هزینه‌ای که برای کنترل منابع آب ایجاد می‌شود، ارزش افزوده‌ای داشت، اما چنین نیست. محصولات این آب ارزشمند اغلب تأمین‌کننده هزینه تولید آنها هم نیست و تنها با یارانه‌های نفتی است که این فرآیند سودآور به نظر می‌رسد.»

بنابر چارچوب تشخیصی این مستند می‌توان نتیجه گرفت که الگوی نادرست در کشاورزی یکی از علل اصلی مسئله آب است، زیرا به دلیل یارانه‌های نفتی و بی‌توجهی به هزینه‌های واقعی تولید یک محصول، صرفاً به ارزآوری و قیمت فروش محصول توجه می‌شود. در بخشی از مستند این امر با صراحت بیشتری از زبان یک صادرکننده پسته مطرح شده است:

«مهدی آگاه: باغ‌دار و صادرکننده پسته؛ من صادرات محصولات کشاورزی مانند پسته را خیانت می‌دانم و خود را در آن شریک می‌دانم. اگر کسی در پتروشیمی و صنعت فولاد خیانت بزرگتری می‌کند، این رفع خیانت از من نمی‌کند. خیانت به معنی از بین بردن منابعی است که در این کشور لازم است برای بقای آن، اما ما به بقای خود و نسل مان فکر می‌کنیم و به بقای ایران نه، این کار خیانت است.»

در بخشی دیگر از این مستند در قالب چارچوب توسعه پایدار و موضوع عدم‌آمایش سرزمین، ناهماهنگی میان دستگاه‌های دولتی به‌عنوان چارچوب تشخیصی مطرح می‌شود.

«جواد شامخی: مدیرکل جهاد کشاورزی استان همدان در سال ۱۳۷۶؛ برای ما از اتفاقات روز افتتاح نیروگاه می‌گوید. جواد شامخی: برای من علامت سؤال بود که یک نیروگاه چگونه بیاید در یک دشت ممنوعه ایجاد شود و ۶۰



حلقه چاه عمیق بزند و نسبت به معیشت مردم منطقه بی تفاوت باشد، یکی از دغدغه‌های ما این بود که این نیروگاه افتتاح نشود. این نیروگاه باید در جای دیگری که مناسب بود ایجاد می‌شد... به رئیس‌جمهور گفتم این کلید افتتاح نیروگاه که شما فشردید به‌مثابه هیولایی آب دشت همدان را خواهد بلعید.»

سخنان مدیرکل وقت جهاد کشاورزی همدان و مخالفت او با تأسیس نیروگاه در مکان کنونی خود به‌وضوح بیانگر ناهماهنگی دستگاه‌های دولتی در اجرای طرح‌های عمرانی است. به عبارتی واضح است که آنچه بر اثر این ناهماهنگی‌ها آسیب می‌بیند، محیط زیست است.

سیاست‌های نادرست دولتی و تغییر مداوم سیاست‌ها به‌عنوان یکی از علل مسئله آب در این مستند مورد توجه قرار گرفته است؛ به عبارتی چارچوب تشخیصی در اینجا سیاست‌های متناقض و غیرعقلانی است که دولت‌ها اجرا کرده‌اند، در قسمتی از این مستند به‌صراحت به این امر اشاره شده است:

«افت شدید آب‌های زیرزمینی دشت کبودرآهنگ سال ۱۳۷۲ وزارت نیرو را وادار کرد که برداشت آب از حفره‌های زیرزمینی را غیر مجاز اعلام کند. اما چهار سال بعد همین وزارتخانه نیروگاه شهید مفتح را در همین منطقه با سیستم خنک‌کننده‌ای که نیازمند برداشت آب فراوان از سفره‌های زیرزمینی بود، افتتاح کرد.

جانمایی اشتباه صنایع و تأسیسات، تنها به نیروگاه شهید مفتح همدان ختم نمی‌شود. سد فریم صحرای مازندران نمونه دیگری از چنین تأسیسات است. یکی از مدیران وزارت نیرو: وجود این سد نعمت با برکتی است ۷۵۰ هکتار از اراضی را بهبود می‌بخشد و ۵۰۰ هکتار دیگر را نیز زیر کشت می‌برد. این امر باعث رونق اقتصادی در منطقه خواهد شد؛ باعث بهبود زندگی کشاورزان خواهد شد و آنها را از آسیب‌های کم‌آبی مصون نگه می‌دارد. این تأسیسات چیزی جز خیر و برکت و خوبی ندارند. تصاویر از خشک شدن کامل سد بعد از پنج سال.»

در بخشی دیگر از این مستند از علت‌های مسئله آب در چارچوب تشخیصی پافراتر گذاشته شده و بر تبعات مسئله آب تأکید گشته است. به‌عنوان مثال از بین رفتن تنوع گونه‌های جانوری یکی از تبعات مسئله آب و خشک شدن دریاچه ارومیه است، که مستند مادرکشی آن را این‌گونه مطرح کرده است:

«بزرگترین دریاچه داخلی ایران، دومین دریاچه آب شور دنیا. بزرگترین آبگیر دائمی غرب آسیا، محل زندگی بیش از ۲۷ پستاندار، ۴۰ نوع خزنده، ۲۰ نوع ماهی و ۲۰۰ نوع پرنده... حالا دیگر این توصیفات برای دریاچه ارومیه و

حوضه آبریزش تنها خاطرات شیرین جامانده از گذشته ای نه چندان دور است.
خاطراتی از دریاچه ای به بزرگی هفت برابر شهر تهران.»

جزئیات تبعات خشک شدن دریاچه ارومیه در این بخش به وضوح مطرح شده است و نابودی زندگی ۲۷ نوع پستاندار، ۴۰ نوع خزنده، ۲۰ نوع ماهی و ۲۰۰ نوع پرنده، تبعاتی وحشتناکی است که به دلیل خشک شدن دریاچه ها اتفاق افتاده است. یکی دیگر از موضوعاتی که ذیل عدم آمایش سرزمین و در چارچوب کلان توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است، بحث فرونشست زمین است. سخنان محمد درویش از فعالان عرصه محیط زیست در این مستند در این باره چنین است:

«محمد درویش: فعال محیط زیست؛ در اتحادیه اروپا ۴ میلی متر نشست زمین در سال به عنوان شرایط بحرانی در نظر گرفته می شود. در تهران، پایتخت ایران، بنا بر اطلاعات سازمان زمین شناسی این رقم ۳۶ سانتی متر در سال است. یعنی ۹۰ برابر چیزی که در اتحادیه اروپا شرایط بحرانی در نظر گرفته می شود. شما حتی یک نماینده مجلس را ندیدید که یقه وزیر نیرو یا رئیس سازمان محیط زیست یا وزیر جهاد کشاورزی را بگیرد که چرا این اتفاق دارد می افتد. هیچ روشنفکر و هیچ نخبه ای را ندیدید در این کشور که اعتراض کند به این وضعیت؛ این یک جنایت مسلم به نسل امروز و نسل فرداست.»

در این بخش از مستند، محمد درویش بی توجهی همه اقدار جامعه به فرونشست زمین به دلیل برداشت بی رویه از آب های زیرزمینی را «جنایت» در حق نسل امروز و نسل های آتی می داند. به عبارتی در اینجا حق آیندگان برای استفاده از منابع طبیعی و به عبارت دقیق تر حق زندگی آنها در قالب توسعه پایدار مطرح شده است.

۱-۱-۲. عدم آمایش منابع آب

آمایش منابع آب مفهومی جدید است که «در دهه ۱۹۸۰ و به منظور بهینه سازی مصرف آب بین بخش های مختلف متقاضی آب مطرح شد و هدف آمایش منابع آب ایجاد تعادل بین منابع آب موجود با تقاضا برای منابع آب، ضمن در نظر گرفتن منابع آب های سطحی و زیرزمینی بود» (هدایتی آق مشهدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۷). در تشریح مختصر و موجز این مفهوم می توان گفت «مفهوم آمایش منابع آب به خودی خود یک محصول نیست که مشکلات را رفع نماید، بلکه مجموعه ای از اصول، روش ها و رهنمودهایی است که برای مدیریت بهتر عرضه و تقاضای آب مطرح می شود» (هدایتی آق مشهدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۷). عدم آمایش منابع آب در این مستند در قالب سه موضوع خردتر شامل «سدسازی»، «طرح های انتقال آب بین حوزه های» و «برداشت بی رویه آب های زیرزمینی» مطرح شده است.



سدسازی به‌عنوان بخشی از چارچوب تشخیصی مسئله آب در این مستند بارها مورد توجه قرار گرفته است و به‌عنوان یکی از عوامل اصلی به آن پرداخته شده است. به‌عنوان مثال در این مستند نقش سدسازی در مسئله آب ایران از زبان محمد درویش فعال محیط زیست این‌گونه بیان شده است:

«محمد درویش: فعال محیط زیست؛ بیش از ۶۵۰ سد ساختم، الان طبق آمارهای اعلام شده ۴۰ درصد این سدها خالی از آب است. ایران گنجایش اینقدر سد را ندارد. فقط توی حوزه آبخیز دریاچه ارومیه ۷۲ سد فعال داریم و بنابر این بوده است ۱۰۵ سد زده شود. آخه از کجا؟ یعنی این ۱۴ رودخانه که به دریاچه ارومیه می‌ریختند قرار بوده است بر روی هر کدامشان ۱۰ تا ۱۲ سد ساخته شود.»

برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی نیز بعد دیگری از چارچوب تشخیصی مسئله آب است که در این مستند مورد توجه قرار گرفته است:

«ابوالقاسم سوزنجی: رئیس خانه کشاورز استان همدان؛ بالغ بر ۴۵۰۰ چاه غیرمجاز در استان همدان داریم. اگر هر چاه ۱۰ لیتر بر ثانیه برداشت کند برداشت از این چاه‌ها دو برابر کارون خواهد بود... تنها در یک روستا ۲۲ چاه غیرمجاز وجود دارد»

در بخشی دیگر از این مستند «طرح‌های انتقال آب» به‌عنوان چارچوب تشخیصی مسئله آب در ایران مورد توجه قرار گرفته است. برای اثبات این امر موضوع انتقال آب بین‌حوزه‌ای با موضوع سدسازی و تبعات آن مقایسه شده است، تا از این طریق تبعات این رویکرد نادرست مشخص گردد. گفته‌های حجت میان‌آبادی استاد دانشگاه تربیت‌مدرس در بخشی از این مستند بیانگر این موضوع است:

«حجت میان‌آبادی: استاد دانشگاه تربیت مدرس؛ ما از رویکرد غلط سدسازی داریم روی آوردیم به رویکرد غلط انتقال آب... اگر نشد آب از خارج کشور بخریم بیاوریم... تمام این رویکردها رویکردهای سازه‌ای است... طرح‌های انتقال آب در خوش‌بینانه‌ترین حالت اثرات سوءشان، بیشتر از سدسازی نباشد، کمتر نیست، چون اگر سدسازی تنها اثرات اقتصادی و زیست‌محیطی داشت انتقال آب علاوه بر این اثرات منفی، دارای اثرات سیاسی، اجتماعی و اقلیمی خواهد بود.»

۳-۱-۱. ایجاد فقر

فقر را شاید بتوان مهم‌ترین دغدغه اجتماعی-اقتصادی توسعه پایدار به‌شمار آورد. پایداری دربردارنده تعهد به تلاش به‌منظور ریشه‌کنی فقر است (کهیل، ۱۳۹۳: ۳۹). رفع فقر و تأمین نیازهای آتی بدون آسیب‌زدن به نسل‌های آتی از اهداف اصلی توسعه پایدار است. بیکاری روستاییان به‌عنوان یکی از تبعات مسئله آب در این مستند در چارچوب

تشخیص، مورد توجه قرار گرفته است. کشاورزانی که با مسئله آب مواجه هستند تبعات این مسئله را اینگونه بیان کرده اند:

«اسماعیل تقیان: کشاورز؛ همه چیزمان را از دست داده ایم به خاطر بی آبی...
۸۰ سال عمر دارم و الان با خفت زندگی و الان باید با یارانه زندگی کنم...
گاو و گوسفند و هرچی دارم را فروخته ام... و الان شرمند زن و بچه هستم...
قبض گاز برای من ۲۳۴ هزار تومان آمده است.»

مهاجرت هم یکی از تبعات بیکاری کشاورزانی است که در روستاها با مسئله آب مواجه هستند. مهاجرت روستاییان به حاشیه شهرها هم از زبان کنشگران فعال محیط زیست و هم از زبان مردم روستایی در چارچوب تشخیصی و تبعات آن مورد توجه قرار گرفته است: «مانی میرصادقی: مستندساز و فعال محیط زیست؛ اگر دریاچه ارومیه خشک شود از تبریز تا زنجان باید تخلیه شود یعنی هیچ سکنه ای نمی تواند آنجا زندگی کند. این مملکت نیاز به هیچ دشمنی ندارد خودمان داریم خودمان را می کشیم..... روستای سلپک همدان یکی از هزاران روستای خالی از سکنه کل کشور است که ساکنانش به دلیل بی آبی به حاشیه شهرها مهاجرت کرده اند.»

۱-۱-۴. مشارکت اجتماعی

یکی از مفاهیمی که در رویکردهای توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته و به عنوان راه حل برای دستیابی به توسعه پایدار مطرح شده است، مفهوم مشارکت اجتماعی است. همانگونه که ساتن^۱ تأکید می کند «توسعه پایدار به شدت وابسته به رویکردهای آموزشی است، که در آن می توان افراد عقلایی و منطقی را به مشارکت در فعالیت های حفظ محیط زیست و توسعه تشویق کرد» (ساتن، ۱۳۹۳: ۲۲۷). الگوی توسعه پایدار واقعیتی است که بر اساس القای یک روند از بالا به پایین به وجود نمی آید و گروهی خاص نمی تواند آن را برای گروهی دیگر یا مکان و زمانی دیگر تنظیم نماید؛ بلکه حالتی است که از بطن جامعه برانگیخته می شود و تمامی اجزای جامعه، از قشرهای مختلف مردم تا منابع و امکانات به طور مستمر و مستقیم در آن درگیرند (میسرا، ۱۳۶۵: ۳۲). مشارکت مردم محلی به عنوان بخشی از چارچوب تجویزی در این مستند این گونه مطرح شده است:

«مردم منطقه سیستان و بلوچستان: هزینه لایروبی را بدهند به خدا خود ما بهتر از هر کس دیگه می توانیم انجام دهیم و از لحاظ مالی هم برای ما خوب است، کمک هزینه ای می شود برای زندگی مان.»

لزوم مشارکت نخبگان برای حل مسئله آب نیز در این مستند به عنوان بخشی از



چارچوب تجویزی مورد توجه واقع شده است؛ به‌عنوان مثال محمد درویش، فعال محیط زیست این موضوع را به‌عنوان بخشی از راه‌حل مسئله آب بیان کرده است:

«محمد درویش: فعال محیط‌زیست؛ شما حتی یک نماینده مجلس را ندیدید که بقیه وزیر نیرو یا رئیس سازمان محیط زیست یا وزیر جهاد کشاورزی را بگیرد که چرا این مقدار فرونشست زمین داریم. هیچ روشنفکر و هیچ نخبه‌ای را ندیدید در این کشور که اعتراض کند به این وضعیت، این یک جنایت مسلم به نسل امروز و نسل فرداست.»

۲-۱. چارچوب عدالت زیست‌محیطی

بحث‌های مرتبط با محیط زیست امروزه با بحث عدالت اجتماعی پیونده خورده است (کهیل، ۱۳۹۳: ۲۱). چراکه آسیب‌های زیست‌محیطی معمولاً در بین همه اعضای جامعه به‌صورت مساوی تجربه نمی‌شوند، معمولاً افراد ساکن در محله‌های فقیرنشین و اقلیت‌ها بیشتر با این موضوع دست‌به‌گریبان هستند (یانگ و همکاران، ۲۰۱۵: ۱). بی‌عدالتی زیست‌محیطی برای توصیف شرایطی به‌کار می‌رود که بخش‌هایی از یک جامعه به‌طور نامتناسبی بار مشکلات و آسیب‌های زیست‌محیطی را به‌دوش می‌کشند. در کشورهای صنعتی این بخش‌ها معمولاً منطقه‌هایی هستند که شرایط اقتصادی اجتماعی پایینی دارند، یا اقلیت‌های نژادی آن جامعه در آنجا ساکن هستند (نیمانیس^۱ و همکاران، ۲۰۱۲: ۶).

در چارچوب عدالت زیست‌محیطی، عمده توجه مستند به مناسبات مرکز-پیرامون بوده است؛ که با دو موضوع جزئی‌تر یعنی دسترسی نداشتن روستاییان به آب شرب و انتقال آب استان‌های پیرامونی به استان‌های مرکزی مطرح شده است.

در بخشی از مستند مصاحبه‌هایی با اهالی روستاهای استان چهارمحال و بختیاری صورت گرفته است که بیانگر این است که اگر جامعه ایران با مسئله آب روبرو است، بخش بزرگی از بار و مشقت این بحران را روستاییان تحمل می‌کنند، به‌گونه‌ای که آنها حتی آب برای مصارف شرب در اختیار ندارند، حتی در تابستان به‌اندازه‌ای آب ندارند که بتوانند برای شست‌وشوی لباس استفاده کنند. گفتگوی زیر بیانگر این وضعیت است:

«روستاییان چهارمحال و بختیاری: در طول تیر ماه تا حالا سه بار برای ما آب آمده است. آب تانکر کفاف روستا را نمی‌دهد. شما را قسم می‌دهم آب را به ما برسانید... ما دو سه هفته یک‌بار هم نمی‌توانیم لباس مان را بشوریم. آب نیست... به هر شخصی که می‌پرستید قسم‌تان می‌دهم آب را به ما برسانید.»

این مصاحبه حاکی از آن است که نابرابری های اجتماعی چگونه در قالب مسایل زیست محیطی خود را نشان می دهد و رنج مضاعفی بر طبقات محروم جامعه تحمیل می کند.

۳-۱. چارچوب اقتصاد سیاسی آب

اقتصاد سیاسی در ساده ترین حالت به معنای استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تحلیل مسایل مختلف است. به عنوان مثال اقتصاد سیاسی می تواند ساختار و کارکرد دولت ها، نهادهای اجتماعی، روابط اقتصادی منطقه ای و جهانی، و نیز مواردی چون فقر و بی عدالتی را با استفاده از ابزارهای اقتصادی تحلیل نماید (دادگر، ۱۳۹۷: ۴۸). بحران آب نیز از جمله مسایلی است که رویکرد اقتصاد سیاسی توانایی تحلیل آن را دارد. این رویکرد می تواند ابعاد ناگشوده ای از دلایل بحران آب را آشکار نماید. این مستند با چارچوب بندی مسئله آب در ارتباط با خواست کانون های قدرت و ثروت، جایابی صنایع آب بر را نه مسئله تکنوکرات ها و گزینش تخصصی، بلکه تحت تأثیر ساختارهای اقتصاد سیاسی می داند:

«جانمایی تأسیسات و سدها علتی غیر از ضعف دانش مهندسی دارد.»

«جواد شامخی: یکی از دلایل، فشارهای سیاسی است به وسیله قدرتمندان و

افرادی که می خواهند صاحب کرسی ها شوند.»

«عیسی کلانتری: وزیر اسبق جهاد کشاورزی و دبیر ستاد احیای دریاچه

ارومیه؛ افراد سیاسی از مناطق طبیعی برداشت سیاسی می کنند. انتخابات

نزدیک است، برای آنها دریاچه اصلاً مهم نیست، مردم هم مهم نیست. مهم

انتخاب شدن یا نشدن شان هست.»

یکی از این گزینش های مرتبط با بحث های اقتصاد سیاسی، مسئله مافیای سدسازی و انتفاع های حاصل از آن است که ساخت سد را از موضوعی توسعه ای خارج کرده و آن را به دولت ها «تحمیل» می کند.

«محمد درویش: فعال محیط زیست؛ به گفت علیرضا دائمی معاون وزارت

نیرو، ۱۲۰ (سد) را به وزارت نیرو تحمیل کرده اند و باید ساخته شوند،

در حالی که رأی کارشناسی وزارت نیرو این است که این سدها نباید ساخته

شوند.

«دکتر محمدتقی فرور (نویسنده کتاب تکنولوژی های آسیب زا): در کشور

ما این که فن سالاران یا همان تکنوکرات ها حاکم شوند را مقدس می دانیم.

در حالی که تصمیمات را باید جامعه بگیرد نه فن سالاران... آنها عواقب را



نمی‌بینند. پیشنهاد می‌کنم کویر را در اختیار سدسازان قرار بدهید بگویید اینجا بسازید پول بگیرید. دوباره خراب کنید پول بگیرید؛ از اول بسازید... بذارید آسپیش به همه جامعه نرسد.»

در سطحی فراملی نیز اقتصاد سیاسی بین‌الملل و ساختار نابرابر جنوب‌شمال، تولید محصولات آب‌بر را به جهان کمتر توسعه‌یافته واگذار کرده و تولیدات ثانوی را به کشورهای توسعه‌یافته واگذار می‌کند. علاوه بر این‌ها در سطح منطقه‌ای نیز گاه این مسئله اتفاق می‌افتد و توسعه نامتوازن باعث شده است تا اقتصاد سیاسی تولید، در سطح خرد خصلتی کاملاً ضدملی پیدا کند:

«حجت میان‌آبادی: استاد دانشگاه تربیت مدرس؛ اخیراً یکی از نمایندگان کمیسیون انرژی مجلس اعلام کرد میزان سودی که ما از کشت پسته در کرمان و رفسنجان به دست آوردیم، ۳ میلیارد دلار بوده است و ارزش آبی که صرف تولید این پسته شده است ۸ میلیارد دلار بوده است.»

۴-۱. چارچوب امنیت زیست‌محیطی

تلاش‌های روزافزون متمرکز بر امنیت جهانی، بایستی تمامی تأثیرات واقعی و خامت محیط زیست جهانی را تشخیص دهد؛ که یکی از مشخصه‌های آن کاهش منابع طبیعی در سراسر دنیا، نظیر جنوب است. هرچقدر که خامت محیط زیست جهانی بیشتر شده و منابع طبیعی بیش از حد بهره‌برداری شوند، جهان به مکانی ناامن‌تر تبدیل می‌شود (هینز، ۱۳۹۳: ۲۵۷). نظریه‌پردازان جدید امنیت، مسایلی مانند گرم شدن کره زمین، سوراخ شدن لایه اوزون و دیگر ابعاد تغییرات اقلیمی را به عنوان تهدیدات جدید آینده بشریت معرفی کرده‌اند (مصلى نژاد، ۱۳۸۷: ۱۳۹). این مسئله به‌خوبی در رویکرد مکتب کپنهاگ^۱ در مطالعات مربوط به امنیت، خود را نمایان ساخته است. شرایط جهان به‌گونه‌ای پیش رفته است که باری بوزان^۲ از متفکران اصلی مکتب کپنهاگ، «امنیت زیست‌محیطی» را به‌عنوان یکی از ابعاد امنیت ملی مطرح کرده است (بوزان، ۱۳۸۷: ۴۵).

این مستند بغرنج شدن مسئله آب را به مسایل امنیتی و جنگ و تعارض بر سر آب پیوند می‌زند. پیشی گرفتن جنگ آب بر جنگ نفت، که طبق برخی پیش‌بینی‌ها اتفاق افتاده است:

۱. مکتب کپنهاگ نامی است که به دیدگاه‌های افرادی چون باری بوزان، اولی ویور و جاپ دوویلدر در مورد امنیت داده شده است. به عبارتی مکتب کپنهاگ یکی از رویکردهای حوزه روابط بین‌الملل است که امنیت را صرفاً محدود به حوزه مسائل نظامی و سیاسی نمی‌داند و بر این باور است که باید امنیت را در سایر حوزه‌ها نیز مطرح کرد؛ یکی از این حوزه‌ها بعد امنیت زیست‌محیطی است. آثار اصلی این مکتب از جمله کتاب‌های «مردم، دولت‌ها و هراس» اثر باری بوزان و کتاب «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت» اثر باری بوزان، اولی ویور و جاپ دوویلدر به فارسی ترجمه شده‌اند.

2. Barry Gordon Buzan



«چندین سال پیش، بسیاری از متفکران هشدار داده بودند جنگ آینده جنگ بر سر آب خواهد بود، نه نفت. و چقدر این موضوع واقع بینانه بوده است. امروز این مسئله بر همگان آشکار شده است.»

آنچه چنین چارچوب ارایه‌ای را بیشتر به مسایل امنیتی متصل می‌کند استفاده از بخشی از خبرهای رسانه‌هایی است که در گفتمان رسمی و امنیتی ایران به رسانه‌های معاند و ضد امنیت ملی معروف‌اند. طرح‌های انتقال آب در اصفهان سابقه تشنجات به اصطلاح امنیتی داشته‌اند و در این مستند نیز به تخریب تأسیسات انتقال آب توسط معترضان اشاره شده است. این که مسئله آب می‌تواند از بحث‌های تخصصی و مرتبط با تکنوکراسی خارج شده و به ابعاد جدیدی برسد، در مستند بازتاب داشته است:

«صدای آمریکا: درگیری کشاورزان در شرق اصفهان با مأموران انتظامی و امنیتی... این اعتراض‌ها از زمانی آغاز شد که قرار شد آب رودخانه زاینده رود به یزد منتقل شود. جمعه پیش کشاورزان خشمگین در شهرهای خوارسگان و ورزنه به تأسیسات انتقال آب آسیب رساندند و آن را تخریب کردند.»

۲. تحلیل رتوریک

در بخش دوم، به تشریح راهبردهای انگیزشی این مستند که اقناع مخاطب را به همراه دارند، با استفاده از روش تحلیل رتوریک آسابرگر (۱۳۸۸) پرداخته شده است. مستند مادر کشی چارچوب انگیزشی و رتوریک خود را بر راهبردهای استفاده از مقایسه، ترس، نگرش جمعی، اعتبار منبع و حل مسئله بنا کرده است.

۱-۲. راهبرد استفاده از مقایسه

مستند در موارد متعددی با استفاده از آمار و ارقامی که توسط متخصصان و مسئولان ارایه شده با بهره‌گرفتن از راهبرد مقایسه، وضعیتی منطقی و قابل درک را پیش روی مخاطب ترسیم می‌کند. مقایسه ایران با کشورهای منطقه در میزان استفاده از آب‌های تجدیدپذیر، تعداد سد‌های ساخته شده در قیاس با ورودی آب، تعداد چاه‌های غیرمجاز در برابر مجاز، آمار سطح زیر کشت آبی در زمان حال و گذشته، و نیز استفاده از تصاویر وضعیت حال و گذشته تالاب‌ها و رودها، با استفاده از اصطلاحاتی که وضعیت محیط زیست ایران را مقایسه می‌کند، در بخش‌هایی از مستند بیان شده است:

«بزرگترین دریاچه داخلی ایران، دومین دریاچه آب شور دنیا. بزرگترین آبگیر دائمی غرب آسیا، محل زندگی بیش از ۲۷ پستاندار، ۴۰ نوع خزنده، ۲۰ نوع



ماهی و ۲۰۰ نوع پرند... حالا دیگر این توصیفات برای دریاچه ارومیه و حوضه آبریزش تنها خاطرات شیرین جامانده از گذشته‌ای نه‌چندان دور است.

خاطراتی از دریاچه‌ای به بزرگی ۷ برابر شهر تهران»

یا در موارد دیگری میزان مصرف آب‌های تجدیدپذیر در ایران با استانداردهای بین‌المللی مقایسه شده است، که نتیجه این امر آگاهی مخاطب از شرایط نامناسب ایران در این زمینه است. سخنان رئیس سازمان حفاظت محیط زیست مبتنی بر همین قیاس است که در مستند مورد استفاده قرار گرفته است:

«عیسی کلانتری: وزیر اسبق جهاد کشاورزی و دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه؛ جامعه جهانی در ارگان‌های بین‌المللی توسعه می‌گویند شما اگر تا ۲۰ درصد آب تجدیدپذیرتان را استفاده کنید، محیط زیست‌تان سالم می‌ماند. حداکثر استفاده مجاز آب‌های تجدیدپذیر ۴۰ درصد است. در دنیا دو کشور بالای ۴۰ درصد استفاده می‌کنند. کشور دوم مصر است با ۴۶ درصد و کشور اول ایران است با اختلاف بسیار زیاد که ۹۶ درصد را استفاده می‌کنیم. یعنی فاجعه را به وجود آوردیم». نمونه‌ای دیگر از استفاده از راهبرد مقایسه برای اقناع مخاطب، چنین نقل شده است: «امروز ۱۶ دریاچه و تالاب کشور بین ۹۰ تا ۱۰۰ درصد خشک شده‌اند. سدهای بی‌شمار بیش از ۹۵ درصد آب‌های روان کشور را مهار کرده‌اند. که نتیجه این رکوردزنی، گرد و خاک و آلودگی می‌باشد که تا بیش از ۶۰ برابر حد مجاز شهرهای مختلف کشور را در بر می‌گیرد.»

۲-۲. راهبرد استفاده از ترس

استفاده از راهبرد ترس در نشان دادن تبعات امنیتی مسئله آب، با استفاده از منبعی هراس‌آفرین، از نمونه‌های چارچوب انگیزشی مبتنی بر این راهبرد است: «صدای آمریکا: درگیری کشاورزان در شرق اصفهان با مأموران انتظامی و امنیتی... این اعتراض‌ها از زمانی آغاز شد که قرار شد آب رودخانه زاینده‌رود به یزد منتقل شود. جمعه پیش کشاورزان خشمگین در شهرهای خوارسگان و ورزته به تأسیسات انتقال آب آسیب رساندند و آن را تخریب کردند.» بخشی از ترس ایجاد شده نیز حاصل نوع موسیقی انتخابی در بخش‌های مختلف مستند است.

۲-۳. راهبرد استفاده از نگرش جمعی

مستند، ایجاد نگرش جمعی را برای کلیت بخشی و شمول همگانی مسئله در منطقه استفاده کرده است تا به نتیجه‌گیری مناسب در ذهن مخاطب دست یابد:



سال اول / شماره یکم
زمستان ۱۴۰۱

۱۰۶

«یاسر عرب: مستندساز و فعال محیط زیست؛ من در سفر اولم به سیستان به این نتیجه رسیدم که فاجعه هر چقدر بزرگتر باشد، کمتر دیده می شود. شما وقتی وارد منطقه سیستان شوید می گوید باور نمی کنم چنین چیزهایی حقیقت داشته باشد. مگر می شود ۶۰۰ هزار نفر اوضاع زندگی شان این گونه باشد ولی در مرکز هیچ خبری نباشد.»

۴-۲. راهبرد استفاده از اعتبار منبع

این مستند برای اثبات ادعای خود در موارد متعددی به منابع معتبر ارجاع می دهد. به عنوان مثال در بخشی از فیلم جمله ای از برتولت برشت شاعر و نمایشنامه نویس معروف آلمانی استفاده شده است:

«روزگاری آن کس که می خندید، هنوز خبر بد را شنیده بود... اما ما ساکنان شهر دیرزمانی است که خبر را شنیده ایم و همچنان می خندیم.»

همچنین در مادر کشی بارها از شخصیت های شناخته شده و معروف حوزه محیط زیست کشور مانند محمد درویش، عیسی کلانتری، دکتر محمدتقی فرور، دکتر حجت میان آبادی برای طرح مسئله آب استفاده شده است، که این امر می تواند بر ابعاد اقناعی پیام مورد نظر بیافزاید.

۵-۲. راهبرد استفاده از حل مسئله

حل مسئله همواره یکی از راهبردهای اقناعی به شمار رفته است که می تواند مخاطب را با پیام همراه و همدل کند. به عبارتی پیام همراه با راه حل بیشتر می تواند اقناع کننده باشد تا زمانی که تنها بیانگر مشکل است. در این مستند بارها از این راهبرد برای اقناع مخاطب استفاده شده است:

«محمد درویش: فعال محیط زیست؛ جمله ای از قول شاردن، جهانگرد معروف فرانسوی گفته شده است، در فن به کارگیری آب، هیچ ملتی را از ایرانیان توانتر ندیدم... شاردن همه دنیا را گشته است. ایرانیان باستان به درستی متوجه تنگناهای جغرافیای و اقلیمی بوده اند و سازه های زندگی شان را متناسب با این تنگناها طراحی کرده اند.»

این راه حل گرایی در موارد دیگری کاملاً آشکار بیان شده است؛ به عنوان مثال استفاده از «قنات و کاریز» به دلیل متناسب بودن با شرایط اقلیمی ایران به عنوان راه حلی برای مسئله آب بیان شده است:

«برای هزاران سال ایرانیان با آگاهی از شرایط اقلیمی خود راه هایی را برای مدیریت



منابع آبی پیدا کرده بودند، که در هماهنگی کامل با طبیعت و نظام اجتماعی شان بود. اما تحولات پرشتاب دهه‌های اخیر برنامه‌ریزان را از این رویکردهای سنتی ارزشمند، غافلگیر کرد و در زمانی کوتاه شیوه زیست و الگوی مصرف هزاران سال ایرانیان را تغییر داد و بی‌حرمتی و اسراف را جایگزین حرمت به آب و قناعت کرد. ایرانیان از دیرباز شیوه‌های اسرارآمیزی برای استخراج آب داشتند و توانستند دشت‌های خشک را به جایی برای زندگی تبدیل کنند. قنات یکی از شیوه‌های اصلی مهندسی و مدیریت منابع آب ایرانیان است.»

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

هر چارچوبی می‌تواند تأثیر متفاوتی در برخورد مخاطب با موضوع ایجاد کند. برای پاسخ به سؤال اول و دوم این پژوهش درباره دلایل و راه‌کارهایی که مستند مادرکشی در مواجهه با مسئله آب به آنها دست یافته است، می‌توان از چارچوب تشخیصی و به‌تبع آن چارچوب تجویزی توسعه پایدار نام برد. در این چارچوب‌ها، مسئله اصلی مدیریت استفاده انسان از محیط زیست است. به این معنا که مفروض چارچوب توسعه پایدار این است که طبیعت بماهو طبیعت فاقد ارزش است و مسئله حائز اهمیت نحوه مدیریت استفاده انسان از طبیعت است؛ که باید بتواند هم نیازهای نسل حاضر را تأمین کند و هم تأمین نیازهای نسل‌های آتی را به‌خطر نیاندازد. این موضوع می‌توانست در قالب چارچوب بدیل دیگری مانند زیست‌بوم‌گرایی نیز چارچوب‌بندی شود؛ که بر اساس آن صرف مدیریت بهتر در استفاده از منابع طبیعی، راه‌کار مناسبی برای سامان‌دهی به وضعیت موجود نیست؛ بلکه باید دگرگونی‌های بنیادینی در مورد رابطه انسان و طبیعت به‌وجود آید، تا بتوان بر مشکلات موجود غلبه کرد. چارچوب دیگر در این حوزه می‌تواند افراط‌گرایی سبز باشد که مفروض اصلی طرفداران آن در رابطه انسان و طبیعت، بر لزوم تسلط طبیعت بر انسان استوار است.

در این مستند، توسعه پایدار به‌عنوان چارچوب تشخیصی اصلی برای مسئله آب در ایران انتخاب شده است. به‌عبارتی توسعه ناپایدار باعث ایجاد مسئله آب در ایران شده است، بنابراین، چارچوب‌های تجویزی هم در راستای ایجاد توسعه پایدار بوده است. باید توجه داشت که امروزه از نظر طرفداران محیط زیست تنها دنبال توسعه پایدار بودن، مسایل زیست‌محیطی را حل نخواهد کرد؛ بلکه برای فهم این موضوعات اجتناب از جزئی‌نگری به مسایل محیط زیست و به‌ویژه به موضوع حیاتی آب و اتخاذ رویکردی کل‌نگر در حوزه‌های مختلف اقتصاد، سیاست، محیط زیست، فرهنگ و جامعه، به‌عنوان



سال اول / شماره یکم
زمستان ۱۴۰۱

۱۰۸

یک کل واحد، ضروری است، تا بتوان با توجه به پیچیدگی روابط میان این حوزه‌ها دلایل اصلی مسئله آب را شناسایی کرد و بر مبنای آن اقدام به سیاست‌گذاری برای حل موضوع آب نمود. اگرچه در این مستند چارچوب‌های دیگری چون اقتصاد سیاسی آب، امنیت زیست‌محیطی و عدالت زیست‌محیطی مورد توجه قرار گرفته است، اما چارچوب غالب، توسعه پایدار است که بر مبنای آن مسئله آب در ایران مطرح شده است.

برای پاسخ به سؤال سوم پژوهش که بر راه‌کارها و سازوکارهای اقناعی برای همراهی مخاطب با موضوع مسئله آب تمرکز دارد، باید اذعان داشت به دلیل انتخاب چارچوب توسعه پایدار برای فهم مسئله آب و رویکرد از بالا به پایین در طرح‌های توسعه‌ای، به‌طور طبیعی استفاده از «اعتبار منبع» جهت مطرح کردن انتقادات کارشناسان از تبعات طرح‌های توسعه‌ای یکی از مهمترین راهبردهای اقناعی به‌شمار می‌رود. وقتی کارشناسان به‌عنوان یکی از شخصیت‌های اصلی این مستندها حضور دارند، «ارائه راه‌حل» و «مقایسه» بی‌تردید یکی از راه‌کاری اقناعی خواهد بود، چراکه از کارشناسان انتظاری جز ارائه بحث‌های علمی و منطقی برای بیان دلایل بحران و راه‌حل‌های آن نمی‌رود.

راهبرد «ترس» و «نگرش جمعی» نیز به‌عنوان دو راهبرد مهم دیگر، برای همراهی مخاطب، در نظر گرفته شده است. اگرچه در این پژوهش تمرکز پژوهشگر بر اقناع کلامی بوده است، اما بر اساس مستندهای مورد مطالعه، برای ایجاد ترس در مخاطب می‌توان از اغراق در تبعات مسئله آب و در برخی مواقع از موسیقی بهره گرفت. در بیان راهبرد نگرش جمعی در بخش‌هایی از این مستند از حضور افراد محلی در مستند بهره گرفته شده و از زبان آنها مسئله آب، به‌عنوان مشکل «همه» ساکنان این شهرها و روستاها مطرح شده است. لازم به ذکر است اگرچه افرادی از این نابرابری‌های زیست‌محیطی منفعت خواهند برد، به‌عنوان مثال «شرکت‌های تولید آب معدنی»، اما در این پژوهش به دلیل کم‌رنگ بودن چارچوب‌های انتقادی از جمله اقتصاد سیاسی، چنین مسایلی نادیده گرفته شده است.

در پایان این نوشتار، بر اساس آنچه که از تحلیل مستند مادرکشی در این پژوهش به‌دست آمد موارد زیر برای بهبود سیاست‌گذاری‌ها در این حوزه پیشنهاد می‌شود:

– فراهم کردن زمینه ارائه خدمات پژوهشی به مستندسازان برای ساخت فیلم مستند در حوزه مسایل زیست‌محیطی.

– ارائه خدمات مشاوره رسانه‌ای از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در خصوص اصول اقناع و عمومی کردن مسایل علمی، در تهیه مستندهای زیست‌محیطی.



- حمایت از ساخت آثار سینمایی (مستند و داستانی) در حوزه محیط زیست و بحران آب.
- تأمین مالی برای خرید و تهیه بانکی از مستندهای تولیدشده با موضوعات زیست محیطی، توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان حفاظت محیط زیست و انتشار آن.
- استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای پخش بخش‌هایی از این مستندها در سطح گسترده، با هدف مقابله با رواج اطلاعات جعلی و نادرست و ایجاد فضای گفتگو در حوزه عمومی. این امر رشد تفکر سازنده انتقادی را در بین کاربران به‌همراه خواهد داشت.
- همکاری سازمان‌های محیط زیست، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت آموزش و پرورش، برای آموزش دانش‌آموزان از طریق نمایش مستندهای زیست محیطی.
- انجام پژوهش‌های سینمایی در مورد «میدان تولید» مستندهای زیست محیطی.



سال اول / شماره یکم
زمستان ۱۴۰۱



منابع و مأخذ

- آروین، آلن (۱۳۹۳). *جامعه شناسی و محیط زیست*، ترجمه صادق صالحی، بابلسر: دانشگاه مازندران.
- آسابرگر، آرتور (۱۳۸۸). *روش های پژوهش در رسانه ها*، ترجمه محمد حافظی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها.
- بوزان، باری (۱۳۸۷). *مردم، دولت ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دادگر، یدالله (۱۳۹۷). «اقتصاد سیاسی: ابزاری قدرتمند برای تحلیل و سیاست گذاری در عرصه های گوناگون قرن بیست و یکم»، *بررسی مسایل اقتصادی ایران*، دوره ۵، شماره پیاپی ۹: ۷۰-۴۷.
- رز، ژیلیان (۱۳۹۳). *روش و روش شناسی تحلیل تصویر*، ترجمه سیدجمال الدین اکبرزاده جهرمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و مرکز آموزش و سنجش افکار صداوسیما.
- ساتن، فیلیپ دبلیو (۱۳۹۳). *درآمدی بر جامعه شناسی محیط زیست*، ترجمه صادق صالحی، تهران: سمت.
- کهیل، کایکل (۱۳۹۳). *محیط زیست و سیاست اجتماعی*، ترجمه حسین حاتمی نژاد و سهراب امیریان، تهران: دانشگاه تهران.
- لیندلاف، تامس و برایان تیلور (۱۳۸۸). *روش های پژوهش کیفی در علوم ارتباطات*، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: همشهری.
- ملک زاهدی، عطیه (۱۳۹۶). *خوانش مخاطبان از مستندهای بحران آب: مطالعه موردی مستند مادر کشی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- مصطفی نژاد، عباس (۱۳۸۷). «بررسی جنبه های مختلف امنیت زیست محیطی با رویکرد مکتب انتقادی»، *محیط شناسی*، سال ۳۴، شماره پیاپی ۴۶: ۱۴۸-۱۳۹.
- میسرا، آر، پی (۱۳۶۵). «مشارکت مردمی»، *نشریه جهاد*، سال ۶، شماره پیاپی ۸۹: ۵-۲.
- هدایتی آق مشهدی، امیر؛ حمیدرضا جعفری؛ ناصر مهرداد؛ فهمی هدایت؛ پروین فرشچی، و سمانه زاهدی (۱۳۹۴). «آمایش سرزمین و مدیریت منابع آب: آمایش منابع به جای فعالیت ها: مطالعه موردی حوضه آبریز خزر»، *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۱۷ (۳): ۸۶-۶۴.
- هینز، جفری (۱۳۹۰). *مطالعات توسعه*، ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی، تهران: آگه.
- Benford, R. D., and D. A. Snow (2000). "Framing processes and social movements: An overview and assessment", *Annual review of sociology*, 26 (1): 611-639.
- Brown, C. (2013). "Media Framing of the 2009-2010", United States Health Care Reform Debate.
- Diedring, K. (2008). "Framing environmental messages: Examining audience response to humor, shock, and emotional treatments", USF Graduate Theses and Dissertations, University of South Florida University of South Florida.



- Entman, R. M. (1993). "Framing: Toward clarification of a fractured paradigm", **Journal of communication**, 43 (4): 51-58.
- Hansen, A. (2011). "Communication, media and environment: Towards reconnecting research on the production, content and social implications of environmental communication", **International Communication Gazette**, 73 (1-2): 7-25.
- Hughes, H. (2014). **Green Documentary: Environmental Documentary in the Twenty-First Century**. Intellect Books.
- Ingram, D. (2013). "The aesthetics and ethics of eco-film criticism", In **Ecocinema theory and practice**, 43-61.
- Jasper, S. (2016). "Framing of children in news stories about US immigration from Latin America", **Elon Journal of Undergraduate Research in Communications**, 7 (2): 68-77.
- Kuypers, J. A. (2002). **Press bias and politics: How the media frame controversial issues**, Greenwood Publishing Group.
- Lakoff, G. (2010). "Why it matters how we frame the environment", **Environmental communication**, 4 (1): 70-81.
- Neimanis, A.; H. Castleden and D. Rainham (2012). "Examining the place of ecological integrity in environmental justice: A systematic review", **Local Environment**, 17 (3): 349-367.
- Nisbet, M. C. and T. P. Newman (2015). "Framing, the media, and environmental communication", In **The Routledge handbook of environment and communication**. Routledge. 325-338.
- Norris, P. (1995). "The restless searchlight: Network news framing of the post-Cold War world", **Political Communication**, 12 (4): 357-370.
- Schäfer, M. S.; S. O'Neill; M. Nisbet; S. Ho; E. Markowitz and J. Thaker (2017). "Frame analysis in climate change communication: approaches for assessing journalists' minds", **online communication and media portrayals**.
- Tang, M. and N. Huhe (2014). "Alternative framing: The effect of the Internet on political support in authoritarian China", **International Political Science Review**, 35 (5): 559-576.
- Young, Debra; Samantha Teixeira and Helen Hartnett (2015). "Social Action Meets Social Media: Environmental Justice in West Virginia", **Contemporary Rural Social Work**, 7 (1): 1-11.
- Zillmann, D., Chen, L., Knobloch, S., and Callison, C. (2004). "Effects of lead framing on selective exposure to Internet news reports", **Communication research**, 31 (1): 58-81.



سال اول / شماره یکم
زمستان ۱۴۰۱

۱۱۲